

## عنوان مقاله:

مسأله محوری در اندیشه و شخصیت فردوسی بر پایه نظریه آبراهام مزلو

## محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی شرق شناسی - فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسنده:

جیهاد شکری رشید - دانشیار گروه زبان فارسی دانشگاه صلاح الدین-اربیل/عراق

## خلاصه مقاله:

یکی از معیارهای نظریه آبراهام مزلو، مسأله محوری است که در میان چهره های برجسته ادبی، فردوسی شخصیتی مسأله مدار به شمار می رود. بنا به باور مزلو خودشکوفایان مسئلهمدار هستند تا خودمدار و در کل توجه زیادی به خودشان ندارند و احساس میکنند که در زندگی خود مأموریتی دارند. چنانچه فردوسی رسالت بزرگی در زندگی داشت که نیروی اصلی اش را برای تحقق آن صرف کرد و خواسته های خود را فدای هدفی بزرگ تر می کند که مایه پرافتخار جامعه و افراد آن حتی برای نسل بعد از آن شده است. نگارنده در این پژوهش سعی بر آن دارد تا با روش تطبیقی- تحلیلی یکی از مهمترین شاخصه های نظریه خودشکوفایی مزلو یعنی مسأله مداری را در شخصیت فردوسی بسنجد و به مهم ترین مسأله هایی که در اندیشه و شخصیت شاعر نمود دارد در معرض دید خواننده قرار دهد تا از این طریق نشان داده شود که فردوسی را میتوان در قالب نظریه آبراهام مزلو، فردی خودشکופا و در عین حال، مسأله محور به شمار آورد و نتیجه ای که از این تطبیق به دست می آید، می تواند ادله محکمی جهت نشان دادن خودشکوفایی و برجستگی شخصیت فردوسی باشد.

## کلمات کلیدی:

آبراهام مزلو، فردوسی، شاهنامه، خودشکופا، مسأله مداری

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1169827>

